

(معرفی یک کتاب مهم خطی)

کتب و نسخ خطی بسیاری در کتابخانه‌های دنیا موجود است که اغلب آنها بطبع نویسیده در مخازن کتابخانه‌ها روزیم آنباشه شده نام و نشانی از آنها درین نیست حتی نام بسیاری از آنکتابها و اسم مؤلف و موضوع آنرا ندانسته و نشنیده‌ایم چیزی که از نظرها مخفی و نام و نشانی از آن ظاهر نیست از کتابهای توان بوجود آن بی برداشتن بمنزله دفینه و خزینه‌ایست که از نظرها پنهان است نگذارنده گاهی در صفحات نشریه دانشگاه ادبیات تبریز ازین قبیل کتب خطی کمنام و نسخ نایاب آنچه هقدور می‌شود و بدست هیا باید معرفی می‌کنم تا درستداران و علاقمندان بکتاب از وجود آن آثار مطلع و از کم و کیف آنها آگاه باشند بهقیده نکار نده معرفی کتب خطی نادرالوجود از اهم فرائض است و لازم است از طرف دولت و یا وزارت فرهنگ بودجه کافی برای طبع و نشر این قبیل کتب خطی هم و نسخ نادرالوجود معین شده و بتدريج ازین قبیل کتب فیلم‌برداری و طبع و نشر شود اکنون که علم عکاسی و فیلمبرداری بمدارج عالیه ترقی رسیده با مخارج بسیار ناچیز همکن است از نسخه‌های هم خطی که در کتابخانه‌های داخله و خارجی هم وجود است فیلمبرداری شود این طریقه فیلمبرداری بقدرتی کار استنساخ را سهل و آسان نموده که دیگر احتیاج نیست یکنفر هدتها وقت خود را تلف کرده و چشم خود را در راه استنساخ یک کتاب مفصل خطی ضعیف و یا بیمار نماید اکنون ممکن است با طریق فیلمبرداری یک کتابخانه بسیار بزرگی را در یک جعبه کوچکی جای داده و بسهولت از محلی به محل دیگر منتقال داد ذراینصورت منتهای بی‌انصافی و بی‌کفايتی است که در این راه قدمی برداشته و استفاده لازمه را نکرده باشیم اروپاییها در اینخصوص اقدامات جدی و مؤثر نموده و استفاده‌های شایانی کرده‌اند هناسب این حال خضرت هولوئی فرموده است

هفت شهر عشق را عطار گشت
ما هنوز اندر خم یک کوچه‌ایم
یکی از کتب بسیار مهم خطی کتاب (روضات الجنان) است که ظاهرًا فقط دو
نسخه از آن در دنیا موجود است یکی در کتابخانه آستانه قدس رضوی و دیگری
در تصرف نکارند است در شهریور ماه ۱۳۲۳ شمسی در هـ-وقع تشریف بزیرارت
حضرت نامن الائمه سلام الله علیه بکتابخانه آستانه قدس رضوی رفته و آنکتاب را که
سابقاً از وجود آن مطلع بودم بمنظور اینکه بهم نسخه آستانه کاملتر است یا نسخه
بندۀ برای مطالعه خواستم و پس از ملاحظه معلوم شد که هر دو نسخه یکی است و
احتمال دادم نسخه بندۀ از روی نسخه آستانه استنساخ شده زیرا که خط و کتابت آن
نسبتاً قدیمتر و صفحات آن جدول کاری شده است

نسخه آستانه تاریخ تحریر ندارد و محتمل است که در همان عصر مؤلف
نوشته شده نسخه این جانب در تاریخ سنه ۱۳۰۶ هجری قمری استنساخ شده یک
نقش بزرگی که نسخه آستانه دارد این است که از اول کتاب در حدود سه صفحه
سقط شده وقتیکه توسط دانشمند محترم آقای اوکتائی رئیس کتابخانه آستانه آن
نسخه را ملاحظه میکردم و از سقط چند صفحه از اول کتاب صحبت شد نهایت
تساف نموده و فرمودند که نسخه دیگری پیدا نیست تا قسمت سقط شده را استنساخ
کنیم عرض کردم پیش بندۀ یک نسخه ازین کتاب هست بسیار مشعوف شدند و بدون
اینکه از بندۀ تقاضا نمایند عرض کردم پس از مراجعت به تبریز آن سه صفحه سقط
شده را از روی نسخه خودم نوشته ارسال خدمت میدارم بسیار خوش وقت شدند و بندۀ
پس از مراجعت چنانچه قول داده بودم آن سه صفحه را نوشته بکتابخانه آستانه
قدس رضوی فرستادم و آقای اوکتائی رسید آنرا نوشته واخذ خدمت ناچیز بندۀ تشکر
فرمودند این کتاب که موسوم به (روضات الجنان) است ۸۰۵ صفحه است بقطع نیم
ورقی که بخط ریز نوشته شده ابعاد آن طولاً ۳۴ و عرضاً ۲۱ سانتیمتر است تاریخچه
مفصل و هشروحی است از هزارات تبریز و نواحی آن و شرح حال و زندگانی جمع
کثیری از مدفونین صحابه و امامزادگان و بعضی از علماء و شعراء و بالخصوص عرفاؤ
 محل مزار آنها که در خاک تبریز و نواحی آن سر بخاک تیره فرو برده اند این کتاب

فی الواقع بمنزلة تذکرها یست از طبقات اولیا و عرفا و شعرا و سایر رجال و اشخاص برگزیده که در این شهر و اطراف آن مدفوونند مؤلف در تأثیف این کتاب زحمت بسیاری کشیده که شرح حال قریب به سیصد نفر از اولیا و شعرا و عرفارا با شرح بسط مفصلی ذکر نموده و از قرار معلوم مؤلف غیر از این کتاب تأثیفات دیگری نیز دارد که شرح آنها را در آخر مقاله خواهیم نگاشت ذیلا بعضی خصوصیات و مزایای این کتاب را نوشت و سپس بشرح حال مؤلف می پردازیم.

مؤلف این کتاب را به یک هدایت و هشت روضه و یک خاتمه تقسیم نموده که شرح آنها قرار ذیل است.

هدایت در ذکر طریق و قاعدة زیارت قبور هؤمنین و مؤمنات (روضه اول) در ذکر مقابر و مشاهد بعضی از اصحاب سید المرسلین و بعضی از تابعین رضوان اللہ علیهم اجمعین که در تبریز و حوالی آن واقعست (روضه دوم) در ذکر مقابر و مزارات عرفا و شعرا و اولیائی که در مازارستان سرخاب واقعست (روضه سوم) در ذکر اولیائی که در مازارستان کجیل واقعست (روضه چهارم) در ذکر اولیا و شعرا و عرفایی که در گورستان چرناب واقعست (روضه پنجم) در ذکر اولیا و عرفا و امامزادکان و شعرایی که در جاهای مختلف شهر تبریز واقعست (روضه ششم) در ذکر مزارات و مقابری که در نواحی و حوالی شهر تبریز واقعست (روضه هفتم) شرح احوال امیر بدالملة والدین سید احمد الحسینی اللاله (روضه هشتم) در ذکر اقطاب سلسلة ذهیبیه که سید احمد لاله منسوب باین سلسله بوده است مفصلا شرح داده (خاتمه) در بیان معنی نبی و رسول و نبوت و ولی و مرشد و ولایت و آنچه تعلق بمعانی اینها دارد بدالیل کتاب و حدیث رسول خدا صلی اللہ علیه و آله.

(شرح حال مؤلف روضات الجنان)

نام مؤلف (دریش حسین کربلاعی) معروف است بعضی از هوزخین اورا (حافظ

حسین کربلائی القزوینی اوالتبریزی) نوشتہ‌اند خود مؤلف در صفحه ۲۷۵ در شرح حالا بحکمی از اولیا نام خود را چنین نوشته (و همچنین راقم حروف خاله قدم درویشان حسین الحافظ الکربلائی) بشرف مصادیقه و سیماع حدیث آن می‌شیرفی شدم) مؤلف کتاب خلاصه الایر فی اعیان القرن الحادی عشر دردو جما بنام درویش حسین اشاره کرده اول در صفحه ۲۵ جزء نانی در ضمیمن ترجمة حوال شیخ حسین بورینی چنین نوشته (و لاما ورد دمشق الحافظ الحسین التبریزی المعروف با بن الکربلائی فی حدود سنۃ ثمان و نهانین و تسعماهی صحبته و تعلم منه اللغوة الفارسیة حتی صارت کلم بها کانه اعجمی ثم تعلم فی اخر حاله التركیه و کان فی الفارسیه ابرح و نظم و نثر) دوم در صفحه ۴۳۴ جزء ثالث در همان کتاب در شرح حال شیخ بهائی علیه الرحمه چنین نوشته و (لاما ورد دمشق نزل محلة الخراب عند بعض تجارها الکبار واجتمع به الحافظ الکربلائی القزوینی اوالتبریزی نزیل دمشق صاحب الرؤضات الذى صنفه فی مزاری تبریز واستنشد شیئاً من شعره) از تاریخ تولد وسایر احوال زندگانی مؤلف اطلاعات بسیطی در دست نیست لیکن آنچه بعلوم و روش ایت مؤلف مسافرت‌های زیادی کرده از جمله چندین سال در دمشق اقامت و سکونت داشته و بزیارت حجج رفت و با شیخ بهائی مرحوم در دمشق و در مکه ملاقات کرده و با شیخ حسن بورینی که از فضلا و علماء آن‌عصر است ملاقات نموده و شیخ نامبرده زبان فارسی از او یاد گرفته و تا سال نهضه و نود چهار در دمشق بر حیات بوده و برداشت علامه شهیر آیة الله آقای سید شهاب الدین مرعشی ساکن قم که در پشت ورق اول کتاب شرحی راجع به زندگانی و تألیفات مؤلف نوشته وما ذیلا جهه مزید اطلاع قارئین می‌حترم آنچه می‌گوییم نگاشت مؤلف در سال نهضه در نود چهار در دمشق وفات نموده و در دامنه جبل معروف (قاسیون) مدفون است رحمة الله عليه حضرت آیة الله آقای سید شهاب الدین مرعشی در پشت ورق اول کتاب متعلق به این جانب چنین نوشته (مخفی نماند آنکه قبر (حافظ حسین) در دامنه جبل قاسیون دمشق می‌باشد وفات او بنا بر آنچه در مجموعه بخط مرحوم والده است سنه ۹۹۴ واقع شده و او را تألیفات بسیاری است از جمله کتاب (مزارات الشام) و (سفرنامه حجاز) و (مثنوی تفسیر قرآن) بیداق عرفانی

تمام نشده اعقاب او خانواده هستند در شام غالباً در محله خراب ساکن هستند و اورا مشایخ و استادی بوده در حدیث و طریقت و سائر علوم و سنین عدیده حقیر مشتاق بودم که ابن کتاب را زیارت کنم که بحمد الله تعالی موفق شدم بمطالعه آن من البدوالی الختم و الحق تأليف بسيار نفيسی است و مشحون بفوائد و السلام خيرختام شهاب الدين الحسيني النجفي المرعشی (۱۳۶۷) واياضاً شرح حال مؤلف روضات الجنان در صفحه ۱۲۵ جلد ششم ريحانة الادب تأليف فقيه سعيد علامه شهير ميرزا محمد على مدرس خياباني مفصل مسطور است که خلف ارجمند و فاضل دانشمند آنمرحوم آقاى على اصغر مدرس مشغول طبع آن هستند و عنقریب آن کلای سودمند و پرارزش در بازار علم و ادب بمعرض استفاده عموم خواهد رسید و در ذیل همان صفحه در تعریف و اهمیت همین کتاب (روضات الجنان) در تعقیب شرحی که مرحوم والدشان نوشته شرح مبسوطی نکارش فرموده‌اند و بقارئین محترم تذکر داده میشود که از مطالعه آنکتاب غفلت نفرهایند بالجمله مؤلف کتاب خطاط نیز بوده و از شاگردان علاء الدین محمد خطاط میباشد در ضمن شرح حال خواجه عبدالله صیرفی صفحه ۲۵۴ مینویسد جناب مولانا علاء الدین محمد تبریزی (۱) که درین زمانه از خوشنویسان روزگار است و بایه خط وی بر کرسی نشسته که دست هیچکس به آن نمیرسد و این کمینه نیز انداز کلاغ پای که بر صفحه بیاض ثبت و مرقوم می‌سازد یعنی عاطفت مرحوم مشار اليه است که درسنۀ سبع و خمسین و تسعماهه وفات یافته مؤلف این کتاب را در زمان شاه طهماسب اول صفوی تأليف و در سال ۹۷۵ ختم کرده و در آخر کتاب این قطعه را که یکی از دوستان مؤلف در تاریخ اتمام آن کفته درج نموده است.

(۱) علاء الدین محمد تبریزی از استادان خط ثلت و تلمیذه ملا شمس الدین محمد تبریزی است سنگ مرموز رؤای شاه طهماسب اول را که در داخل مسجد جامع تبریز میباشد او نوشته است.

بحمدالله که این سربسته اسرار
 تمام از فیض ارباب وفا شد
 بصورت هر که یکره دید دروی
 اگر بیگانه بود او آشنا شد
 درو از روی معنی گر نظر کرد
 درونش مخزن سر خدا شد
 چو پرسیدم زتاریخش خرد گفت
 (زیارات قبور اولیا) شد

۹۷۵

